

# جنایت‌های بی‌مکافات پدرسالاری

تحلیل محتوای رسانه‌ای قتل‌های ناموسی در ایران در سال ۱۳۹۹



گزارش تحقیقی از شبکه مردان علیه خشونت ناموسی، پاییز ۲۰۲۱

پیشگفتار ..... ۲

تعریف خشونت‌های ناموسی و قتل ناموسی ..... ۳

سه رویکرد نظری در بررسی خشونت‌ها و قتل‌های ناموسی ..... ۴

روش، هدف و سوال‌های تحقیق ..... ۵

شرح داده‌ها ..... ۶

فرضیه‌های مقدماتی و سخن آخر ..... ۱۰

زیرنویس‌ها و ضمیمه ..... ۱۵



© گزارش تحقیقی «جنایت‌های بی‌مکافات پدرسالاری»

تحلیل محتوای رسانه‌ای قتل‌های ناموسی در ایران در سال ۱۳۹۹

شبکه مردان علیه خشونت ناموسی، گزارش سالانه/ تاریخ انتشار: ۲۵ نوامبر ۲۰۲۱ / پاییز ۱۴۰۰

نقل قول از این گزارش تنها با ذکر منبع آزاد است.

مدیر اجرایی: زهرا باقری‌شاد

همکاران: هانا ادیب، شعله ایرانی، میترا ب.، نگار رجبی، شادیار عمرانی،

مانیسه غفاری، جعفر قدیم‌خانی، نیشتمان نوری، ژیلا مستاجر

©The Network of Men against honour-related violence

Social Media: @notohonour no.to.honour@gmail.com

در اردیبهشت ۱۳۹۹، رومینا اشرفی، نوجوان ۱۴ ساله ساکن تالش، توسط پدرش به قتل رسید. او به دلیل مخالفت خانواده با ازدواجش، به همراه دوست پسرش از خانه فرار کرده بود، اما رومینا توسط پلیس دستگیر و به پدرش تحویل داده شد و کمی بعد با داس به قتل رسید. خبر قتل ناموسی رومینا به طور گسترده در رسانه‌های مختلف اعم از فارسی‌زبان و غیرفارسی‌زبان در داخل و خارج از ایران بازتاب پیدا کرد و در شبکه‌های اجتماعی و افکار عمومی نیز بسیار بحث‌برانگیز شد. این نخستین بار بود که افکار عمومی در ایران نسبت به مساله قتل‌های ناموسی واکنش شدید و آشکار نشان می‌داد. قتل رومینا اشرفی و بازتاب گسترده خبر و جزییات هولناک آن، کلیشه‌های رایج درباره قتل ناموسی را تا حد بسیاری برهم زد. از جمله می‌توان از تقلیل‌گرایی‌های انتیکی و انتساب قتل‌های ناموسی به گروه‌های انتیکی تحت ستم نام برد که ردپای آن حتی در معدود گزارش‌های تحقیقی و آثار سینمایی تولید شده در ایران نیز به چشم می‌خورد.

اما درست یک سال بعد از قتل ناموسی رومینا اشرفی، علی فاضلی منفرد (معروف به علیرضا) جوان بیست ساله همجنس‌گرا در نزدیکی شهر اهواز توسط برادر و پسرعموهایش به این دلیل که به گرایش جنسی او پی برده بودند به قتل رسید. قتل ناموسی علیرضا نیز کلیشه‌های دیگری را درباره قتل‌های ناموسی برهم زد؛ از جمله لحاظ کردن زنان به عنوان تنها قربانیان قتل‌های ناموسی و نادیده گرفتن خشونت‌های ناموسی علیه افراد کوییر که به جامعه ایران نیز محدود نمی‌شود.

با این‌همه شاید بشود ادعا کرد مساله قتل‌های ناموسی هنوز از مورد غفلت قرار گرفته‌ترین جنبه‌های خشونت علیه زنان و افراد کوییر در ایران است. حتی اگر موضوع خشونت ناموسی توجه فعالان فمینیست و حقوق زنان را به خود جلب کرده باشد همچنان از بحث‌هایی به شمار می‌رود که در آن از مفاهیم متعددی همچون «انتیک» و «گرایش جنسی» کلیشه‌زدایی نشده است. همانطور که اشاره شد از قتل ناموسی عمدتاً به عنوان خشونت علیه زنان و نیز خشونتی که به گروه انتیکی خاصی منتسب است یاد می‌شود. همچنین به دلیل «تابو» بودن مساله «ناموس» در جامعه ایرانی، امکان ورود آزادانه و گسترده رسانه‌ها به بحث قتل‌های ناموسی مهیا نیست و محدودیت‌های بسیاری که ساختار سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی برای رسانه‌ها و فعالان جامعه مدنی ایجاد می‌کند مانع از فعالیت متمرکز در حوزه اطلاع‌رسانی و نیز مبارزه با خشونت‌های ناموسی شده است.

نتیجه اینکه، آنچه از این پدیده به صورت محدود در رسانه‌ها و برخی فعالیت‌های حقوق بشری در جامعه ایرانی - داخل و خارج از ایران - انعکاس می‌یابد، بر قتل‌های ناموسی تمرکز دارد و بحث مهم «خشونت‌های ناموسی» تا زمانی که به فاجعه‌ای همچون «قتل» منجر نشوند از نگاه بسیاری مغفول مانده‌اند. پروین بختیارنژاد، روزنامه‌نگار و فعال حقوق زنان در تحقیقی که حدود ده سال پیش منتشر کرد قتل‌های ناموسی را «فاجعه خاموش» نامید. در توصیف خاموش بودن این فاجعه از جمله اینکه برای بررسی پدیده قتل‌های ناموسی در ایران، نه تنها از فقدان آمار روشن و عدم بازتاب دقیق رسانه‌ای رنج می‌بریم، بلکه هیچ آمار روشن یا حتی ناروشنی از مجموع و مصادیق خشونت‌های ناموسی در ایران نیز در دست نداریم. همچنین بسیاری از قتل‌ها با انگیزه‌های ناموسی یا مرتبط با مسائل ناموسی صورت می‌گیرند که با عناوینی همچون «خشونت خانگی»، «زن کشی»، «اختلاف خانوادگی» بازتاب پیدا می‌کنند یا حتی شانس اطلاع‌رسانی درباره آنها وجود ندارد. برخی خودکشی‌ها و به ویژه خودسوزی‌های زنان و افراد کوییر نیز به مسائل ناموسی از جمله هنجارشکنی‌های جنسی و آشکارسازی گرایش جنسی مرتبط هستند.

بررسی چرایی و چگونگی «خاموش ماندن فاجعه» خشونت‌ها و قتل‌های ناموسی در ایران نیازمند پژوهش‌های بسیار است. اما در گزارش تحقیقی «شبکه مردان علیه خشونت ناموسی» کوشیده‌ایم با تحلیل محتوای اخبار مرتبط با ۳۰ قتل ناموسی در سال ۱۳۹۹ در رسانه‌های فارسی‌زبان به طرح فرضیه‌های مقدماتی درباره پدیده قتل ناموسی در ایران بپردازیم. نتایج به دست آمده از این تحلیل محتوای رسانه‌ای، الگوی دقیق و قابل تعمیمی از قتل‌های ناموسی در ایران به دست نمی‌دهد بلکه تنها می‌توانیم بر اساس فرضیه‌های مقدماتی که طرح کرده‌ایم به انجام پژوهش‌های عمیق‌تر برای بررسی دقت و اعتبار این فرضیه‌ها امیدوار باشیم.



برای تعریف خشونت‌های ناموسی معیارهای مختلفی وجود دارند و این یکی از مشکلاتی است که ترسیم شدت و چگونگی این خشونت‌ها را دشوار می‌سازد. برای مثال برخی پژوهشگران حوزه جنسیت<sup>2</sup>، از شش معیار برای تعریف خشونت‌های ناموسی استفاده می‌کنند: ۱. ایجاد محدودیت در تحصیل. ۲. ایجاد محدودیت در اوقات فراغت و در خانه. ۳. تفاوت وضعیت فرزندان دختر در مقایسه با فرزندان پسر. ۴. مجازات به دلیل شکستن هنجارها و محدودیت‌ها. ۵. ازدواج اجباری. ۶. ناقص‌سازی جنسی زنان و ترمیم پرده بکارت که به الزام باکرگی زنان پیش از ازدواج بازمی‌گردد.

اگرچه در ارائه تعاریف دقیق و واحدی از مفهوم "شرف" و یا اینکه چگونه می‌توان مکانیسم‌های اجتماعی خشونت ناموسی را توضیح داد اتفاق نظر وجود ندارد<sup>۳</sup>، اما بیشتر محققان حوزه جنسیت بر این اتفاق نظر دارند که خشونت‌ها و قتل‌های ناموسی با سایر خشونت‌های علیه زنان تفاوت دارند. در رایج‌ترین تعریف؛ خشونت ناموسی از جمله قتل ناموسی یک واکنش خشونت‌آمیز برنامه‌ریزی شده است در مقابل زنی که به عنوان همسر یا دختر با شکستن مرزهای مناسبات جنسی، از هنجارهای "آبرو"ی خانواده‌اش عبور کرده باشد<sup>۴</sup>. تعریف جامع‌تر ارائه شده از خشونت ناموسی به شرح زیر است:

خشونت‌های ناموسی همچون سایر خشونت‌های مردان علیه زنان و افراد کوپیر بر اساس جنسیت، گرایش جنسی، سن، گروه اتنیکی، موقعیت فیزیکی و روانی، و اداراکات فرهنگی افراد، از شدت و ضعف برخوردارند. اما آنچه که در خشونت‌های ناموسی که شدیدترین شکل آنها به صورت قتل

ناموسی اتفاق می‌افتد برجسته می‌شود کنترل بدن و سکسوالیته (تمایلات جنسی) توسط وابستگان مرد است. در این خشونت‌ها، مفاهیمی همچون معصومیت، پاکدامنی، غیرت، شرف و آبرو در کانون توجه قرار دارند. بدن و سکسوالیته زنان همواره در طول تاریخ میدان نبردی در ساختارهای ملی یا مذهبی یا سنتی بوده و به نمادی از غرور و افتخار ملی یا مذهبی تبدیل شده<sup>۵</sup>؛ همانگونه که در رویکردهای ناسیونالیستی این استعاره رایج است که هم وطن و هم زنان باید همچون ناموس توسط شهروندان مبارز و شجاع محافظت شوند<sup>۶</sup>. در نتیجه، آزادی جنسی زنان اغلب به بهانه‌هایی همچون «شرف» و «ناموس» کاهش یافته و محدود شده است<sup>۷</sup>.

قتل ناموسی، شدیدترین شکل خشونت ناموسی است که بر اساس معیارهای شش گانه‌ای که در بالا به آنها اشاره شد اتفاق می‌افتد. در قتل ناموسی، زنان به دلیل «ننگین کردن شرف خانواده» یا «شکستن هنجارهای ناموسی» از جمله رابطه با جنس مخالف، خودداری از ازدواج اجباری، رابطه با مرد دیگری به غیر از نامزد یا همسر، طلاق، یا حتی مورد تجاوز قرار گرفتن به قتل می‌رسند. زیرا به تعبیری، آبروی خانواده را با قرار گرفتن در این موقعیت‌ها خدشه دار کرده‌اند. همچنین قتل ناموسی افراد کوپیر ممکن است علاوه بر موارد بالا به دلیل آشکارسازی گرایش جنسی و آشکارسازی هویت جنسیتی صورت بگیرد. به عبارت دیگر؛ کنترل سکسوالیته توسط مردان، مهمترین عامل در بروز خشونت‌ها و قتل‌های ناموسی است که می‌تواند کنترل سکسوالیته هم زنان و هم افراد کوپیر را دربرگیرد. در جدول زیر خلاصه‌ای از تفاوت‌های قتل ناموسی با زن‌کشی و سایر خشونت‌های مردان علیه زنان آمده است:

قتل ناموسی	سایر خشونت‌های مردان علیه زنان
ممکن است به صورت جمعی صورت بگیرد.	به صورت انفرادی صورت می‌گیرد.
مجرم ممکن است هر عضوی از خانواده اعم از پدر، برادر، همسر و حتی پسرعمو یا فرد دیگری از خانواده باشد.	معمولاً مردی آن را مرتکب می‌شود که با زن رابطه نزدیک دارد.
قربانی ممکن است مرد یا زن باشد. قاتل در اغلب موارد مردان هستند اما زنان هم ممکن است در این قتل مشارکت داشته باشند.	مرتکب یک مرد و قربانی یک زن است.
مرتکب ممکن است به خاطر قتل ناموسی از سوی جامعه یا اطرافیان مورد تقدیر قرار بگیرد.	مرتکب از سوی جامعه موردتقدیر قرار نمی‌گیرد.
به صورت برنامه ریزی شده صورت می‌گیرد.	به صورت خودانگیخته و برنامه ریزی نشده صورت می‌گیرد.
قتل عمد محسوب می‌شود و به عنوان انتقام یا مجازات به خاطر شکستن هنجارهای ناموسی صورت می‌گیرد.	می‌تواند شامل قتل عمد و غیرعمد باشد.

## پژوهشگران رویکردهای متعددی را در بررسی خشونت‌های ناموسی دنبال می‌کنند. به طور کلی با سه رویکرد نظری متفاوت در این زمینه روبرو هستیم:

۱ در رویکرد نخست که به "تبیین فرهنگی" معروف است، برخی محققان در بررسی خشونت ناموسی به تفاوت‌های فرهنگی و هنجارهای عرفی جوامع مختلف توجه ویژه دارند و این تفاوت‌های فرهنگی را عامل اختلافات خانوادگی، خشونت‌های خانگی و ناموسی و حتی جدایی در خانواده‌ها می‌دانند.<sup>۸</sup> مدل تبیین فرهنگی بیشتر بر بررسی خشونت‌های ناموسی و علت وقوع آنها در جوامع خاورمیانه و اسلامی، و نیز مهاجران و مسلمانان ساکن کشورهای غربی تمرکز دارد و خشونت‌های مبتنی بر ارزش‌های ناموسی را مساله خانواده‌های "شرقی"، مسلمان و خاورمیانه‌ای می‌داند. از این رویکرد، بحث خشونت ناموسی به شدت به "انتیسیته" و "فرهنگ قومی" گره خورده است و حتی هنگامی که در بستر کشورهای غربی مطرح می‌شود، آن را به شکل یک تعارض فرهنگی از سوی مهاجران در جامعه "میزبان" تقلیل می‌دهند. منتقدان پسااستعماری این رویکرد بر این باورند که در پژوهش‌هایی که به تبیین فرهنگی خشونت‌های ناموسی می‌پردازند، مفاهیمی همچون انسان شرقی، انسان خاورمیانه‌ای، انسان مسلمان در مقابل انسان غربی، سنت در مقابل مدرنیته، فرهنگ فردگرایانه در مقابل فرهنگ جمعی قرار می‌گیرند و دوگانه "آنها" و "ما" ساخته می‌شود.

۲ رویکرد دوم به بحث خشونت‌های ناموسی، به رویکرد "جهانشمول جنسیتی" معروف است و محققانی که این رویکرد را دنبال می‌کنند بر این باورند که خشونت ناموسی باید به عنوان یکی از اشکال ستم پدرسالار مورد بررسی قرار بگیرد که از سوی مردان به زنان اعمال می‌شود. بر این اساس، خشونت‌های ناموسی هم از جمله دیگر خشونت‌های جنسیتی هستند.<sup>۹</sup> اما به گفته برخی محققان که منتقد رویکرد جهانشمول هستند، این زاویه نگاه، انگیزه‌های ناموسی را در بروز خشونت‌های علیه زنان نادیده می‌گیرد.<sup>۱۰</sup> مساله‌ای که می‌تواند به غفلت از فجایع قتل‌های ناموسی منجر شود.

۳ رویکرد سوم در بررسی خشونت‌های ناموسی را محققانی دنبال می‌کنند که در تبیین خشونت علیه زنان و افراد کویر به همپوشانی ستم‌های جنسیتی با ستم‌های انتیکی، طبقاتی و سایر موقعیت‌های اجتماعی و فردی توجه دارند. به باور آنها، خشونت ناموسی یک بحث پیچیده است و برای بررسی آن باید به حوزه‌های آسیب‌پذیری، امتیازات و نیازهای افراد توجه کرد.<sup>۱۱</sup> این محققان از تقلیل خشونت‌های ناموسی به گروه انتیکی یا طبقاتی خاص خودداری می‌کنند و در عین حال بر ضرورت افزایش خدمات اجتماعی، مراقبت و تامین مسکن برای افرادی که مورد خشونت ناموسی هستند تاکید دارند. به باور آنها، دولت‌ها باید امکانات اجتماعی را برای حمایت از افرادی که مورد ستم و خشونت ناموسی قرار می‌گیرند افزایش دهند.

شبکه مردان علیه خشونت ناموسی نیز توجه به درهم تنیدگی و همپوشانی انواع نابرابری و ستم بر اساس طبقه، جنسیت، گرایش جنسی، نژاد، اتنیک، سن و کارکرد فیزیکی/روانی بدن را در بررسی خشونت‌ها و قتل‌های ناموسی مهم می‌داند. از این رو در پژوهش فعلی رویکرد اینترسکشنالیتی زاویه نگاه ما را تشکیل می‌دهد.

رویکرد اینترسکشنالیتی که در فارسی به میان‌برشی یا تقاطعی ترجمه شده، از جدیدترین نظریه‌های فمینیستی است که در آن به اهمیت تفاوت‌های جنسیتی، اتنیک، طبقاتی، سنی، فیزیکی و گرایش جنسی در شکل‌گیری نابرابری‌ها و تبعیض پرداخته می‌شود. اینترسکشنالیتی در نظریه‌های فمینیستی پسامدرن ریشه دارد و نخستین بار توسط کیمبرل کرنشاو و منتقد فمینیست آمریکایی به ادبیات فمینیستی وارد شد. او در مقدمه تحقیقی که در سال ۱۹۹۱ منتشر کرد درباره موقعیت زنان سیاه در تقاطع جنسیت و نژاد نوشت و کوشید تبعیض علیه این زنان را از دو منظر جنسیتی و نژادی مورد بررسی قرار دهد.<sup>۱۲</sup>

## گزارشی که می‌خوانید، تحلیلی کیفی است در چارچوب یک بررسی محتوایی با تمرکز بر ۳۰ مورد قتل ناموسی بازتاب داده شده در رسانه‌های فارسی زبان. این قتل‌ها در سال ۱۳۹۹ انجام شده‌اند.

تحلیل محتوای رسانه زیرمجموعه‌ای از تحلیل محتوا است که از روشی نظام‌مند برای مطالعه رسانه‌های جمعی از جمله متن مصاحبه، فیلم، عکس، برنامه‌های تلویزیونی و محتوای روزنامه‌ها و مجلات استفاده می‌کند. «تحلیل محتوا» تکنیکی است که می‌تواند هم در تحقیق‌های کیفی و هم کمی مورد استفاده قرار بگیرد و هدف آن توصیف دقیق و عینی یک موضوع معین است. در تحلیل محتوایی که می‌خوانید، آنچه مورد بررسی قرار گرفته «متن» اخبار و گزارش‌هایی است که به زبان فارسی به بازتاب قتل‌های ناموسی در سال ۱۳۹۹ اختصاص داشته‌اند. همه اطلاعات به دست آمده از وبسایت‌های خبری استخراج شده‌اند.

برای انجام این تحلیل محتوا، پیش از هر چیز به شناسایی مواردی از قتل‌های ناموسی در سال ۱۳۹۹ نیاز داشتیم که خبر آنها رسانه‌ای شده باشد. برای این منظور، در مرحله اول تحلیل محتوا؛ در بخش فارسی وبسایت‌های ایسنا، هرانا، رادیوزمانه، بی‌بی‌سی، رادیوفردها، هه‌نگاو، بیدارزنی، ایران‌وایر، دویچه‌وله، سایت حقوق بشر کردستان، کمپین فعالین بلوچ، میدان و شش‌رنگ به جستجو برای یافتن موارد قتل‌های ناموسی صورت گرفته در سال ۱۳۹۹ در ایران پرداختیم. کلیدواژه‌هایی که برای این جستجوها استفاده شدند به قرار زیر است: قتل ناموسی، زن‌کشی، ناموس‌کشی، اختلاف خانوادگی، خشونت خانگی، قتل به بهانه ناموس، اسیدپاشی، خودسوزی، خودکشی، اعدام زنان، زنان اعدامی، سنگسار، خون‌بس، قصاص زنان، فرار زنان، زنان فراری.

بسیاری از **کلیدواژه‌ها** از جمله «زن‌کشی» به دو شکل با فاصله بین دو کلمه «زن» و «کشی» و بدون فاصله بین این دو کلمات جستجو شدند تا شانس ما برای پیدا کردن موارد قتل‌های ناموسی افزایش پیدا کند. دلیل اینکه چرا در جستجوی این اخبار، به کلیدواژه «قتل ناموسی» یا «قتل به بهانه ناموس» اکتفا نکردیم به برداشت‌های متفاوت رسانه‌های فارسی‌زبان از قتل ناموسی، تعاریف آن و چگونگی بازتاب آن باز می‌گردد. برای مثال در یافته‌هایمان مشاهده کردیم بسیاری از مواردی که در رسانه‌ها با عنوان «زن‌کشی» یا «خودسوزی» از آنها نام برده شده، انگیزه قتل «ناموسی» بوده است. همچنین در این جستجوها از کلیدواژه‌هایی همچون «اعدام زنان»، «سنگسار» و «فرار زنان» استفاده کردیم زیرا تجربه و مشاهدات پیشین نشان می‌داد که در برخی موارد اعدام زنان به دلیل قتل همسر یا عضوی دیگر از خانواده با انگیزه‌های ناموسی اتفاق افتاده؛ یا فرار زنان، به ویژه زنان جوان، از خانه به دلیل ستم پدرسالارانه بوده است. از

این رو کوشیدیم جستجو درباره قتل‌های ناموسی را با هر کلیدواژه‌ای که حتی به احتمال بسیار کم ممکن است با هنجارهای ناموسی مرتبط باشد انجام دهیم. با اینهمه نتایج به دست آمده از جستجو در این تحلیل محتوا، در بیشتر موارد بر کلیدواژه‌های قتل ناموسی، زن‌کشی، خودسوزی، خودکشی و اختلاف خانوادگی مبتنی هستند و درباره سایر کلیدواژه‌ها نتایج چندانی به دست نیامد.

**نتایج نهایی جستجو در مرحله اول** نشان داد که از قتل‌های ناموسی اتفاق افتاده در سال ۱۳۹۹ در ایران، تنها ۳۰ مورد با عناوین مختلف اعم از قتل ناموسی، زن‌کشی، اختلاف خانوادگی، خودسوزی، خودکشی و نزاع ناموس در رسانه‌های فارسی زبان بازتاب پیدا کرده‌اند که با در نظر گرفتن آمار رسمی ارائه شده (سالانه بین ۳۷۵ تا ۴۵۰ قتل ناموسی) بازتاب رسانه‌ای این قتل‌ها در رسانه‌های فارسی زبان – چه وابسته به حکومت ایران و چه مستقل از آن – کمتر از ۷ درصد بوده است. در پس همه این ۳۰ مورد که برخی از آنها تنها به صورت خبرهای کوتاه منتشر شده‌اند، انگیزه‌های ناموسی دیده می‌شود. همچنین برخی قتل‌های ناموسی در سال ۱۳۹۹ در خبرها بازتاب پیدا کرده‌اند حال آنکه پیش از آن سال اتفاق افتاده‌اند. ما در این تحقیق، قتل‌های ناموسی اتفاق افتاده در سالهای پیش از ۱۳۹۹ را برای بررسی بیشتر در مرحله دوم لحاظ نکردیم.

**در مرحله دوم تحقیق**، به جستجوی جداگانه هر کدام از این موارد در وبسایت‌های خبری که در بالا ذکر شد و نیز در موتور جستجوی گوگل پرداختیم تا اطلاعات موجود به زبان فارسی درباره هر کدام از این قتل‌های ناموسی را جمع‌آوری کنیم. اطلاعات موردنظر که به جمع‌آوری آنها پرداختیم درباره هر کدام از موارد به قرار زیر است:

**مشخصات فردی** از جمله اسم مقتول، اسم قاتل و دیگر اسامی بازتاب داده شده در خبرها، سن مقتول/قاتل، جنسیت مقتول/قاتل، هرگونه اشاره به گرایش جنسی مقتول، منطقه جغرافیایی که قتل صورت گرفته، وضعیت شغلی یا تحصیلی مقتول/قاتل، وضعیت مجرد یا تاهل مقتول، مکان دقیق رخ دادن قتل اعم از خانه، خیابان و ...، وسیله‌ای که قتل با آن صورت گرفته، انگیزه قتل و عنوانی که خانواده و رسانه‌ها به آن داده‌اند، شاهد یا شاهدان قتل، ارتباط یا نسبت مقتول و قاتل یا قاتلان، سرنوشت پرونده و تبعات قتل برای خانواده مقتول، واکنش مقامات جمهوری اسلامی درباره قتل ناموسی رخ داده شده و واکنش رسانه‌ها درباره آن.

## ● سن، جنسیت، گرایش جنسی

از جمله مواردی که درباره ۳۰ مورد قتل ناموسی بازتاب داده شده در رسانه‌ها بررسی شد "**مشخصات فردی**" هم مقتول و هم قاتل است از جمله سن، جنسیت، گرایش جنسی و نیز اسم افراد. این تحلیل محتوا نشان می‌دهد که در ۲۶ مورد، به اسم مقتول اشاره شده، درحالی‌که موارد اشاره به اسم قاتل ۱۱ مورد است. در بقیه موارد، اسامی افراد چه مقتول و چه قاتل، نامشخص و ناروشن هستند. همچنین در سه مورد، علاوه بر این دو، به اسامی برخی افراد دیگر هم اشاره شده از جمله در مورد قتل ناموسی رومینا اشرفی که اسم دوست پسر او هم در اخبار و اطلاعات مرتبط با این قتل آمده است.

درباره **شاخص سن**، در ۸۴ درصد موارد به سن دقیق فردی که به قتل ناموسی رسیده اشاره شده، اما این عدد درباره سن قاتلان یا متهمان به قتل ناموسی تنها به ده مورد می‌رسد. سن افراد، در بقیه موارد، نامعلوم است و یا از عبارتهایی همچون "یک زن جوان" یا "یک مرد جوان" برای توصیف سن مقتول یا قاتل استفاده شده. گراف زیر اطلاعات سنی بازتاب داده شد در این ۳۰ مورد قتل ناموسی مورد بررسی را نشان می‌دهد: کمترین سن قربانیان ۱۴ و بیشترین ۴۲ سال است. بیشترین تعداد قربانیان قتل‌های ناموسی در گروه سنی بین ۱۴ تا ۲۰ سال قرار دارند و هرچه شاخص سن افزایش پیدا می‌کند از تعداد قربانیان نیز کاسته می‌شود. سن اشاره شده برای قاتلان یا متهمان قتل ناموسی اما بین ۲۰ تا ۴۲ سال و بیشترین تعداد را بالای ۳۰ سال تشکیل می‌دهند.

در بحث **گرایش جنسی**؛ یافته‌های ما از موارد بررسی شده نشان می‌دهد که در هیچ یک از این موارد به گرایش جنسی قربانی و متهم قتل ناموسی اشاره نشده است. هیچ عبارت یا کلیدواژه‌ای که نشان‌دهنده گرایش جنسی متفاوت چه مقتول و چه متهم باشد در این اخبار دیده نشد. همچنین جنسیت افراد هم در این موارد بازتاب داده شده، یا "زن" و یا "مرد" عنوان شده و هیچ جنسیت دیگری برای هیچ کدام از افراد مرتبط با این پرونده‌های قتل ناموسی لحاظ نشده است. از ۳۰ مورد بررسی شده، جنسیت ۲۶ مقتول، زن و جنسیت ۴ نفر از آنها مرد، حال آنکه جنسیت همه متهمان به قتل ناموسی در این پرونده‌ها "مرد" بوده است. به عبارت دیگر، ۴ مرد قربانی، توسط مردان به قتل رسیده‌اند و هیچ زنی در این موارد در ردیف متهم قرار نگرفته است.

در این موارد، شش مورد از مرگ‌های مرتبط با انگیزه‌های ناموسی را **خودکشی و خودسوزی** زنان تشکیل می‌دهد.

همچنین قتل سه جنین در این موارد به ثبت رسیده است.



● وضعیت خانوادگی و مشخصات شغلی و تحصیلی

در بیشتر موارد بررسی شده، به وضعیت شغلی یا تحصیلی افراد چه مقتول و چه قاتل هیچ اشاره‌ای نشده است. تنها در سه مورد، عبارت "دانش آموز" برای توصیف موقعیت تحصیلی مقتول به کار برده شده، و در یک مورد نیز اگرچه اشاره مستقیم نشده اما اینگونه برداشت می‌شود که فرد مقتول، دانش‌آموز بوده است. از دیگر موارد می‌توان به شاغل در رستوران (۲ مورد برای هم مقتول و هم قاتل)، مدلینگ (۱ مورد برای مقتول)، کارگر ساختمانی (۲ مورد، یک مقتول و یک قاتل) و "دختری که شناسنامه نداشت و نمی‌توانست به مدرسه برود و در کارگاه قالبیابی کار می‌کرد" اشاره کرد. همچنین در دو مورد هم برای توصیف موقعیت شغلی و تحصیلی قاتل از عبارتهایی همچون "استعداد بریادرفته" و "از کودکی بر سر چهارراه‌ها دستفروشی می‌کرد تا کمک خرج خانواده باشد" استفاده شده است.

اما از نظر موقعیت تاهل و مجرد، درباره قاتلان هیچ اشاره دقیقی به این مساله نشده، و درباره مقتولان به جز هشت مورد که به موقعیت تاهل و مجرد آنها هیچ اشاره‌ای نشده، بیشترین تعداد (۸ نفر) را زنان مجردی تشکیل می‌دهند که با خانواده - پدر و مادر یا یکی از آنها - زندگی می‌کردند. چهار نفر از زنانی که به قتل ناموسی رسیده‌اند متاهل و دارای فرزند بوده‌اند، و شش نفر از آنها متاهل بدون فرزند. بقیه موارد در جدول زیر آمده است:



● مذهب، قومیت و موقعیت جغرافیایی

در هیچ‌کدام از موارد بررسی شده، عبارت یا کلیدواژه‌ای به کار برده نشده که به مذهب یا قومیت مقتول یا قاتل مرتبط باشد؛ به جز یک مورد که به قتل ناموسی یک مرد جوان توسط مرد جوان دیگری اختصاص دارد. در این مورد، عبارت "اتباع" و "افغانی" برای توصیف قاتل به کار برده شده است.

از نظر موقعیت جغرافیایی در میان موارد یافت شده، ۱۲ مورد در روستا و بقیه موارد اغلب در شهرهای کوچک اتفاق افتاده‌اند. پراکندگی موقعیت جغرافیایی موارد یافت شده به شرح زیر است:





● نوع قتل و وسیله، مکان رخ دادن حادثه

بیشترین قتل‌ها در میان موارد بازتاب داده شده، با چاقو (۶ مورد) صورت گرفته‌اند که شامل "ضربه با چاقو" و "بریدن سر با چاقو" می‌شود. تعداد موارد خودسوزی و خودکشی (با طناب) با انگیزه ناموسی نیز به ۶ مورد می‌رسد. همه این خودسوزی‌ها و خودکشی‌ها توسط زنان صورت گرفته است. خفه کردن (۴ مورد)، شلیک با اسلحه (۳ مورد)، قتل با مشت و ضربات دست و پا (۲ مورد)، خوراندن قرص برنج (۱ مورد)، سوختگی شدید ناشی از آتش زدن خانه (۱ مورد)، خوراندن اسید (۱ مورد)، کوباندن سر به دیوار (۱ مورد) و داس (۱ مورد) از دیگر شکلهای این قتل‌های ناموسی هستند که در تمام آنها زنها توسط یک مرد یا تعدادی از مردان کشته شده‌اند. شیوه قتل قربانیان مرد اما شامل ضربه به سر با میله آهنی و پتک، ضربه با چاقو و خوراندن سم می‌شود.

**مکان دقیق حادثه** در ۶ مورد، روشن نیست و در باقی موارد، بیشترین قتل‌های ناموسی در "خانه پدر و مادر" رخ داده‌اند که شامل ۷ قتل می‌شود و در همه آنها جنسیت مقتول "زن" بوده است. در یکی از این ۷ مورد به صورت دقیق به "اتاق خواب مقتول" اشاره شده درحالی‌که برادر کوچکتر مقتول کنار او خواب بوده است (رومینا اشرفی). ۶ مورد از این قتل‌ها نیز در خانه خود مقتول اتفاق افتاده‌اند که ۲ مورد آن شامل خودسوزی‌ها می‌شوند. در ۳ مورد، قتل در خیابان رخ داده، و در ۲ مورد کنار رودخانه از جمله کنار رودخانه بهمنشیر. بیابان‌های اطراف، چاهی در روستا، ساختمان نیمه‌کاره، رستوران محل کار و خانه خواهر مقتول از دیگر مکان‌هایی هستند که در خبرهای موردنظر به آنها به عنوان مکان دقیق قتل ناموسی اتفاق افتاده اشاره شده است.



● انگیزه و علت، و عنوان حادثه

در میان ۳۰ قتل ناموسی بازتاب داده شده، وقتی که جنسیت مقتول "زن" است، از اختلاف خانوادگی به عنوان انگیزه وقوع ۹ مورد از آنها نام برده شده که بیشتر به خودکشی‌ها و خودسوزی‌هایی مرتبط است که به دلیل فشارهای ناموسی صورت گرفته‌اند. در ۵ مورد نیز، ارتباط با یک مرد، انگیزه اصلی وقوع قتل ناموسی بوده است. در توضیح این مورد گاه از عبارت "ارتباط با مردی دیگر" استفاده شده که احتمالاً گویای متاهل بودن مقتول است. در سه مورد، فرار از خانه، انگیزه قتل بوده که در یکی از این موارد عنوان شده "زن، با وجودی‌که نامزد (عقد کرده) یک نفر بوده، با مرد دیگری فرار کرده است. مخالفت با ازدواج زن که به قتل ناموسی او منجر شده از دیگر انگیزه‌های وقوع این قتل‌هاست که هیچ اشاره دقیقی دیگری به بقیه جزئیات نشده و این احتمال وجود دارد که در پس این مخالفت وقایعی همچون فرار زن از خانه رخ داده و در نهایت به قتل ناموسی منجر شده باشد. ازدواج اجباری و ارتباط اینترنتی با یک مرد از دیگر انگیزه‌های وقوع قتل‌های ناموسی هستند که در این اخبار بازتاب داده شده‌اند. در یک مورد نیز تنها به "سخت‌گیری و خشونت خانگی از طرف پدر" به عنوان انگیزه خودکشی نام برده شده است.

وقتی جنسیت مقتول "مرد" است، از این موارد به عنوان انگیزه‌های قتل ناموسی نام برده شده‌است: دوستی با دختر یک خانواده، مخالفت با ازدواج، شوخی‌های ناموسی و مزاحمت ناموسی برای زن متاهل.

اما عنوان‌هایی که به این قتل‌ها داده شده در بیشتر موارد "قتل ناموسی" بوده است. وقتی جنسیت مقتول "زن" است، در ۴۷ درصد موارد از "قتل ناموسی"، در ۵ مورد از "خودسوزی"، در ۴ مورد از "اختلاف خانوادگی" و در ۱ مورد نیز از "خشونت خانگی" نام برده شده؛ اما وقتی جنسیت مقتول "مرد" است بیشتر از عنوان "نزاع ناموسی" استفاده شده است.



## ● شاهدان حادثه و قاتل

در ۱۷ مورد از قتل‌های ناموسی مورد اشاره، درباره اینکه شاهدان حادثه چه کسی یا کسانی بوده‌اند اطلاعاتی ارائه نشده است. در دو مورد از "عابران خیابان" به عنوان شاهد نام برده شده و در یک مورد نیز گفته شده "همه خانواده" شاهد وقوع قتل ناموسی بوده‌اند. در بقیه موارد می‌توان از "پدر و مردان فامیل"، "خواهر مقتول" و "مادر" به عنوان شاهدانی که به آنها اشاره شده نام برد. در یک مورد نیز (قتل ناموسی رومینا اشرفی)، اینطور در خبرها آمده که هنگام وقوع قتل، مادر رومینا در حمام و برادر رومینا هم کنار او خواب بوده است.

اما جدول زیر، به ما نشان می‌دهد وقتی جنسیت «مقتول» زن است، بیشتر قتل‌های ناموسی توسط برادر (۸ مورد) صورت گرفته‌اند. بعد از برادر، بیشتر موارد یا خودکشی ناشی از فشارهای ناموسی بوده‌اند یا همسر و پدر بیشترین سهم را در وقوع این قتل‌های ناموسی برعهده دارند؛ پدر به تنهایی یا پدر با همراهی سایر مردان فامیل. همسر سابق از دیگر مواردی است که قتل ناموسی به دست او صورت گرفته. همچنین در مورد قتل ناموسی «فاطمه بریهی»، ابتدا پدر او قصد خوراندن سم به او داشته است که با مقاومت مادر روبرو می‌شود و نمی‌تواند این کار را عملی کند. بعدتر، همسر فاطمه که پسر عمومی او نیز بود به قتل ناموسی فاطمه دست می‌زند.

در مواردی که جنسیت مقتول «مرد» است، دو مورد از قتل‌ها توسط همکار و دو مورد هم توسط خانواده دوست دختر یا نامزد اتفاق افتاده‌اند.

قاتل، وقتی جنسیت مقتول زن است



## ● سرنوشت پرونده

از میان قتل‌های ناموسی مورد بررسی، سرنوشت ۲۰ مورد از آنها نامعلوم است. در ۵ مورد به صورت روشن به بازداشت قاتل اشاره شده اما از روند پرونده بازداشت هیچ اطلاعات دیگری ارائه نشده است. در یک مورد، مادر، قاتل را که پدر خانواده بوده بخشیده است. در یک مورد نیز با حمایت خانواده از قاتل و تشییع جنازه‌ی بی سر و صدای مقتول روبرو بوده‌ایم. درباره قتل دیگری اینگونه در خبرها آمده که خانواده، قتل ناموسی را تکذیب و آن را خودکشی اعلام کردند. در یک مورد نیز اشاره شده که قاتل با مراجعه به کلانتری خود را معرفی و به قتل به دلایل ناموسی اعتراف می‌کند اما خانواده مقتول رضایت خود را به صورت کتبی اعلام می‌کنند. درباره این مورد همچنین گفته شده که قاتل فقط باید از جنبه حقوقی محاکمه شود اما با قرار وثیقه و در میان خوشحالی اقوام آزاد شده و با زن دیگری قرار ازدواج گذاشته است. تنها در یک مورد قاتل بازداشت و خانواده مقتول خواستار اشد مجازات شده‌اند؛ که این مورد به قتل ناموسی یک مرد توسط مرد دیگری مربوط است و در خبرها متهم به قتل را "اتباع/ افغانی" معرفی کرده‌اند.

تنها پرونده‌ای که سرنوشت آن بیشتر از بقیه موارد قتل ناموسی رسانه‌ای شد، قتل ناموسی رومینا اشرفی است. پس از اعلام حکم دادگاه برای قاتل رومینا (پدر او، رضا اشرفی) شامل ۹ سال حبس و پرداخت دیه به مادر رومینا، رعنا دشتی، مادر رومینا اشرفی به این حکم اعتراض کرد و خواستار مجازات شدیدتری شد. او از سوی خانواده همسرش تحت فشار و مورد تهدید قرار گرفت که اعلام گذشت کند. اما اطلاعات دیگری از سرنوشت پرونده در رسانه‌ها منتشر نشده است. بنابر گزارش‌ها، بهمن خاوری، دوست پسر رومینا اشرفی نیز در این پرونده به دو سال حبس محکوم شده است.

همانطور که در مقدمه این گزارش اشاره کردیم، نتایج به دست آمده از تحلیل شبکه مردان علیه خشونت ناموسی از محتوای رسانه‌ای تنها بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده از ۳۰ مورد قتل ناموسی بازتاب داده شده در رسانه‌های فارسی‌زبان در سال ۱۳۹۹ به دست آمده است. از این رو این نتایج، الگوی دقیق و قابل تعمیمی از قتل‌های ناموسی در ایران به دست نمی‌دهد بلکه تنها می‌توانیم بر اساس این نتایج فرضیه‌هایی مقدماتی طرح کنیم که بررسی دقت و اعتبار این فرضیه‌ها نیازمند انجام تحقیق‌های کمی و کیفی مفصل دیگری است.



اگرچه آمار دقیقی از قتل‌های ناموسی از سوی مقام‌ها و نهادهای رسمی در ایران اعلام نمی‌شود اما بر اساس آمار پراکنده‌ای که در برخی رسانه‌ها ارائه شده است سالانه بین ۳۷۵ تا ۴۵۰ قتل ناموسی در ایران رخ می‌دهد که حدود ۲۰ درصد از کل قتل‌ها و ۵۰ درصد از قتل‌های خانوادگی در کشور را تشکیل می‌دهد. اما این آمار به باور بسیاری از حقوق‌دانان و فعالان حوزه زنان دقیق به نظر نمی‌رسد یا به عبارتی دست‌کم گرفته شده است. **گل‌لاله وطن‌دوست**، وکیل دادگستری از مریوان در گفتگو با دست‌اندرکاران این تحقیق در شبکه مردان علیه خشونت ناموسی می‌گوید که به نظر او آمار قتل‌های ناموسی به نسبت افزایش جمعیت، افزایش داشته است. اما او معتقد است که این آمار را نمی‌توان دقیق به شمار آورد زیرا در روستاهای دورافتاده و شهرهای کوچک حتی با وصف اینکه عصر اینترنت است و فضای مجازی برای نشان دادن چهره خشن جامعه مهیا کرده، اما همچنان ممکن است خودکشی و یا قتل زن به دست مرد، به دلیل مخفی کاری و یا عدم دسترسی به رسانه‌ها در آمار رسمی اعلام نشود:

مراجعه‌ی که به دفتر وکالت من می‌آید علاوه بر شرح مشکل خود معمولاً اغلب داستان و روایت تلخی هم از کشتن زنان به دست مردان یا خودکشی زنی را در روستای محل زندگی خود تعریف می‌کنند که روایت‌های نانوخته زیادی درباره‌اش وجود دارد. دهها مورد رسانه‌ای نشده از کشف یک جنایت وجود دارد به ویژه در شهرهای کوچک؛ و البته در تمام شهرها و روستاها هم چنین جنایات خاموشی ممکن است وجود داشته باشد.

با این‌همه حتی به ندرت شاهد رسانه‌ای شدن خبر و اطلاعاتی از قتل‌های ناموسی هستیم که در آمار رسمی آمده‌اند. همانگونه که نتایج این تحلیل محتوا نیز نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۹ تنها درباره ۳۰ مورد قتل ناموسی در رسانه‌های فارسی زبان – چه داخل و چه خارج از ایران – اطلاع‌رسانی شده؛ که در همه این موارد هم به "ناموسی بودن" انگیزه قتل اشاره نشده و تنها در ۱۴ مورد از "قتل ناموسی" به عنوان جنایت رخ داده نام برده شده است. در بقیه موارد رسانه‌ها از عبارات‌های "زن‌کشی"، "خودسوزی زنان"، "خودکشی زنان" و "اختلاف خانوادگی" برای توضیح قتل استفاده کرده‌اند حال آنکه اطلاعات درج شده نشان از ناموسی بودن انگیزه قتل خبر می‌دهند.

در توضیح محدود بودن بازتاب رسانه‌ای قتل‌های ناموسی که به سکوت عمومی درباره این فجایع نیز دامن می‌زند، یکی از مهمترین فرضیه‌هایی که می‌توان مطرح کرد اعمال محدودیت‌های موجود برای روزنامه‌نگاران، خبرنگاران و فعالان حقوق بشر است که در حوزه اجتماعی با تمرکز بر موضوعاتی همچون خشونت علیه زنان و خشونت علیه کودکان به فعالیت مشغولند.

این محدودیت‌ها گاه در مواردی که به پیگیری اخبار مرتبط با خودکشی زنان مرتبط است به صورت ابلاغیه‌های رسمی نیز اعمال می‌شوند از جمله نامه اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان رامهرمز که در سال ۱۳۹۹ به دنبال انتشار خبر خودکشی شش دانش آموز در این

شهرستان به خبرنگاران ابلاغ و به صورت رسمی از آنها خواسته شد از پوشش اخبار مرتبط با خودکشی خودداری کنند.<sup>۱۳</sup> محدودیت‌ها در این مسیر اما فقط به ابلاغیه‌های رسمی محدود نمی‌شود. در آذر ماه ۱۴۰۰، سینا قلندری، خبرنگاری که خبر قتل ناموسی مبینا سوری، ۱۴ ساله را به دست همسر روحانی‌اش منتشر کرده بود به یازده ماه و شانزده روز زندان و دوسال ممنوعیت از خبرنگاری محکوم شد.<sup>۱۴</sup>

ما بدون اینکه اطلاع دقیقی از شرایط و وضعیت همه فعالان حقوق بشر و خبرنگارانی که مشخصاً به پیگیری قتل‌های ناموسی پرداخته‌اند داشته باشیم می‌توانیم این فرضیه را مطرح کنیم که حکومت و نهادهای وابسته به آن با ساختارهای سیاسی و قانونی خود به پیگیری پرونده‌های قتل‌های ناموسی توسط رسانه‌ها میدان و مجال نمی‌دهند. همچنین تابو بودن "ناموس" در جامعه امکان پیگیری اینگونه خشونت‌ها را از طریق خانواده‌های قربانیان سخت می‌سازد. ژینا مدرس گرگی، از فعالان حقوق زنان و عضو انجمن زنان ژوانو در سندج در گفتگو با دست‌اندرکاران این تحقیق در شبکه مردان علیه خشونت ناموسی تاکید می‌کند در مواردی که انگیزه‌های "ناموسی" قتل‌ها کاملاً روشن باشند امکان پیگیری خبر و جمع‌آوری اطلاعات درباره قتل ناموسی بسیار سخت است زیرا "حفظ آبروی خانواده" از اطلاع‌رسانی درباره این فجایع ممانعت می‌کند و معمولاً اعضای خانواده - حتی زنان - در پنهان کردن این مساله با هم همدست می‌شوند. همچنین به گفته او بسیاری از زنان خانواده‌های قربانیان از همکاری با خبرنگاران و فعالان حقوق زنان هراس دارند. ژینا مدرس گرگی می‌گوید:

شرایط فعالان مدنی در پیگیری اخبار از شرایط خبرنگاران بدتر است؛ زیرا از همکاری پزشکی قانونی، مراجع قضایی و پلیس هم برخوردار نیستند. درحالی‌که خبرنگاران ممکن است به واسطه شغلشان بتوانند به این مراجع دسترسی‌هایی داشته باشند.

**نتایج این تحلیل محتوای رسانه‌ای نشان می‌دهد از ۳۰ مورد قتل ناموسی بازتاب داده شده در رسانه‌های فارسی زبان در سال ۱۳۹۹، هیچ موردی از قتل ناموسی افراد کویبر نیامده است.** تنها یک مورد گزارش شده از قتل ناموسی یک مرد ترنس ۲۳ ساله، "سیاوش" یافت می‌شود که این قتل هم در مرداد ۱۳۹۶ در خرم‌آباد صورت گرفته و در خبرها با عنوان "به دلیل آنچه حفظ آبرو خوانده می‌شد" از آن نام برده شده است. هرچند که ما اطلاع دقیقی از احتمال رخ دان قتل‌های ناموسی افراد کویبر در سال ۱۳۹۹ در دست نداریم، اما فقدان حتی یک مورد مرتبط در رسانه‌ها این گمانه زنی‌ها را قوی می‌کند که شناسایی، پیگیری و بازتاب اخبار مرتبط با قتل ناموسی افراد کویبر در ایران با دشواری‌های بیشتری همراه است. اما نکته مهم دیگر این است که برداشت‌ها از معنای خشونت و قتل ناموسی و تفاوت برداشت‌ها در اطلاق "قتل ناموسی" درباره زنان و به ویژه افراد کویبر

می‌تواند در نادیده گرفتن خشونت‌های ناموسی علیه آنها نقش داشته باشد. تحقیقات متعدد در سال‌های اخیر بر این مساله تاکید دارند که خشونت‌های ناموسی فقط بر زنان اعمال نمی‌شود بلکه قربانیان این خشونت‌ها و قتل‌های ناموسی ممکن است مردان و افراد کویبر باشند.<sup>۱۵</sup>

روشن است که زنان بیشتر در معرض این خشونت‌ها قرار دارند اما میزان آسیب‌پذیری مردانی که به شکستن هنجارهای جنسی و جنسیتی دست می‌زنند یا هنجارهای به اصطلاح "زنانه" را در روابط عاطفی و جنسی خود دنبال می‌کنند بالاست. به عبارت دقیق‌تر، خشونت و قتل ناموسی در بستر هنجارهای پدرسالارانه و دگرجنسخواهانه اجباری صورت می‌گیرد. از این منظر، حتی آشکارسازی گرایش جنسی و هویت جنسیتی توسط افراد کویبر می‌تواند به خشونت ناموسی علیه آنها و در موارد شدید به قتل ناموسی آنها منجر شود. اما نتایج این تحلیل محتوا نشان می‌دهد اخبار مرتبط با قتل ناموسی افراد کویبر در ایران در سال ۱۳۹۹ جایی برای بازتاب در رسانه‌های فارسی زبان پیدا نکرده است. این درحالی است که ۴ مورد از قتل‌های ناموسی بازتاب داده شده به قتل مردانی مرتبط است که با انگیزه‌های ناموسی یا در "نزاع‌های ناموسی" کشته شده‌اند.

با در نظر گرفتن ملاحظه مهمی که مطرح کردیم؛ نتایج این تحلیل محتوا تایید می‌کند که زنان قربانیان اصلی قتل‌های ناموسی و مردان، عموماً ضاربان و مرتکبان این قتل‌ها هستند؛ امری که نشانگر ریشه عریان پدرسالاری در خشونت‌های ناموسی از طریق کنترل سکسوالیته و بدن - به ویژه بدن زنان - است.

اگرچه ما به پراکندگی جغرافیایی همه قتل‌های ناموسی رخ داده در سال ۱۳۹۹ دسترسی نداریم اما به گفته فاطمه کریمی، دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی در پاریس و مدیر شبکه حقوق بشر کردستان کشتن زنان به بهانه ناموس یا شرف یک پدیده جهانی است با اینهمه مساله‌ای که در ایران رخ می‌دهد این است که قتل‌های ناموسی با اقلیت‌های اتمیکی به ویژه کردها و عرب‌ها بازنمایی می‌شود.<sup>۱۶</sup>

اما نتایج این تحلیل محتوا نشان می‌دهد برخلاف برخی تصورات که قتل‌های ناموسی را به مناطق خاصی از ایران یا گروه اتمیکی خاصی منتسب می‌دانند، پراکندگی جغرافیایی قتل‌های ناموسی شامل مناطق مختلف ایران می‌شود و به گروه اتمیکی یا استان/شهر/روستای خاصی تقلیل نمی‌یابد. این ادعا که قتل‌های ناموسی پدیده‌ای "قومی و قبیله‌ای" هستند و به "فرهنگ"‌های خاصی اختصاص دارند، می‌تواند ریشه در رویکردهای تبعیض‌آمیزی داشته باشد که برچسب زدن و استیگماتیزه کردن گروه‌های اتمیکی مختلف را در پی دارند. تحقیقات نشان می‌دهند این ادعا که خشونت‌های ناموسی به منطقه جغرافیایی، گروه‌های اتمیکی خاص یا ادیات

۳

۲

معینی مرتبط هستند فاقد اعتبار است. به معنای دقیقتر، خشونت ناموسی یکی از خشن‌ترین اشکال ستم علیه زنان و افراد کویبر است که در همه کشورها از جمله کشورهای غربی نیز از دیرباز تا به امروز ادامه داشته است.<sup>۱۷</sup>

۴

اگرچه قتل‌های ناموسی می‌تواند علیه افراد در تمام سن‌ها اتفاق بیفتد اما نتایج این تحلیل محتوا نشان می‌دهد که اصلی‌ترین قربانیان قتل‌های ناموسی زنان جوان بین ۱۴ تا ۲۰ ساله هستند، امری که فقط هم مختص ایران نیست. این مساله می‌تواند دو توضیح داشته باشد. نخست اینکه زنان جوان بیشتر ممکن است هنجارهای ناموسی را به چالش بکشند و این به چالش کشیدن بیشتر باعث واکنش از سوی پدر و برادر و همسر و ... می‌شود؛ واکنشی که به صورت خشونت ناموسی و در شدیدترین شکل قتل ناموسی نمایان می‌شود. دوم اینکه قتل فرزند دختر توسط خویشاوندان در قتل‌های ناموسی بسیار گسترده‌تر از سایر موارد است. در این امر، حس تملک پدر بر فرزند بیشتر نمایان می‌شود، مساله‌ای که در دیگر اشکال خشونت مردان علیه زنان کمتر به چشم می‌خورد. به گفته شادیار عمرانی، پژوهشگر جامعه‌شناسی فرهنگ، ارتباط قوی بین مساله خشونت ناموسی و "مالکیت" وجود دارد به گونه‌ای که در مفهوم ناموس سه عنصر مالکیت بر دارایی (مفهوم طبقه)، دوم مالکیت بر اصالت (مفهوم نژاد)، سوم مالکیت بر تن (مفهوم جنسیت و سکسوالیته) برجسته هستند.<sup>۱۸</sup>

۵

همانطور که پیشتر در تفاوت قتل‌های ناموسی با دیگر اشکال خشونت مردان علیه زنان اشاره شد، درحالی‌که در بسیاری از موارد قتل‌های ناشی از خشونت مردان علیه زنان، این قتل‌ها ممکن است ناخواسته یا خودانگیخته باشند اما در قتل‌های ناموسی بسیار به ندرت ممکن است با عنصر خودانگیختگی یا ناخواسته بودن روبرو باشیم. نتایج این تحلیل محتوا نشان می‌دهد روشها و وسیله‌هایی که قتل‌های ناموسی با آنها صورت گرفته‌اند از جمله مجبور کردن زن به خوردن قرص برنج و اسید، بریدن سر با داس و شلیک با اسلحه نه تنها نشان‌دهنده خصلت عمدی بودن این قتل‌هاست بلکه شدت وحشیانه بودن آن را نیز نشان می‌دهد که هدف آن تولید ارعاب و زهر چشم گرفتن از سایر زنان است و خشن‌ترین چهره از اقتدار پدرسالار را به عمد به نمایش می‌گذارد. بدون استثنا در قتل‌های ناموسی، عنصر تولید وحشت و تولید ارعاب نقش بسیار مهمی دارند تا به این ترتیب از زنان دیگر هم "زهر چشم" گرفته شود که در صورت شکستن هنجارهای ناموسی سرنوشتی جز این نخواهند داشت. گللاه وطن‌دوست در اینباره از "قتل زنی اهل روستای هزارخانی مریوان" صحبت می‌کند که بیست سال پیش توسط پدر به قتل رسید. پدر، دخترش را که مادر پنج فرزند هم بود با تیر کشت و جنازه او را در روستا گرداند تا به زعم خود درس عبرتی باشد برای دیگران و "بی‌ناموسی"

نکنند. به گفته وطن‌دوست، تنها اتهام زن داشتن خواستگار بود که پانزده سال از خودش کوچکتر بود.

۶

اگرچه بسیاری از مرتکبان سایر اشکال خشونت مردان علیه زنان ممکن است به توجیه آن بپردازند، اما در قتل‌های ناموسی، فرد متهم معمولاً با سربلندی از این خشونت سخن می‌گوید و حتی توسط برخی از اطرافیان خود مورد تقدیر و تشویق قرار می‌گیرد. "مشروعیت بخشیدن به قتل ناموسی" توسط جامعه پدیده‌ای است که حتی در برخی از تولیدات فرهنگی و سینمایی از جمله فیلم‌های فارسی بازنمایی شده است. این مشروعیت بخشیدن ممکن است همواره با صدای بلند، حمایت آشکار و ابراز سربلندی همراه نباشد بلکه به شکل‌های مختلف نمایان شود از جمله با پیگیری نکردن پرونده قتل‌های ناموسی، تخفیف مجازات قانونی، رضایت دادن شاکیان پرونده، و مسکوت گذاشتن پرونده که می‌تواند هم از سوی خانواده قربانیان قتل‌های ناموسی صورت بگیرد و هم ساختار قضایی و حقوقی ایران این امر را ممکن می‌سازد؛ امری که به هنجارمند کردن این خشونت‌های ناموسی در جامعه یاری می‌رساند. نتایج این تحلیل محتوا نشان می‌دهد از سرنوشت نزدیک به ۸۰ درصد قتل‌های ناموسی مورد اشاره و چگونگی پیگیری آنها هیچ اطلاعی در دست نیست. در ۵ مورد به صورت روشن به بازداشت قاتل اشاره شده اما از روند پرونده بازداشت هیچ اطلاعات دیگری ارائه نشده است. در یک مورد مادر، قاتل را که پدر خانواده بوده بخشیده است. در یک مورد نیز با حمایت خانواده از قاتل و تشییع جنازه ی بی سر و صدای مقتول روبرو بوده‌ایم. تنها پرونده‌ای که سرنوشت آن بیشتر از بقیه موارد قتل ناموسی رسانه‌ای شد، قتل ناموسی رومینا اشرفی است. گللاه وطن‌دوست، در توضیح این مساله پرونده‌های قتل ناموسی را در وضعیت بغرنجی می‌داند به ویژه اگر قتل توسط اعضای درجه یک خانواده صورت گرفته باشد قاتل در بیشترین مقدار مجازات، یک تا سه سال زندانی و سپس آزاد می‌شود. او می‌گوید:

سیستم قضایی توسط قاضی مربوط به پرونده با قوانینی اداره می‌شود که از قبل تصویب شده، بنابراین حتی اگر فرض را بر این بگیریم که قاضی فردی دلسوز و دارای رویکرد حقوق بشری باشد، وقتی مواد قانونی ناکارآمد و کافی نیست قاضی فقط می‌تواند حداکثر مجازات تعیین شده قانونی را در نظر بگیرد. از سوی دیگر در قتل ناموسی چون قاتل یا قاتلان با برنامه ریزی قبلی به این کار دست می‌زنند معمولاً خانواده مقتول به نحوی معاون در جرم هستند و شرایط کشتن زن مورد نظر را هم تسهیل می‌کنند. مثال روشن این مساله، سرگل حبیبی است که در سال ۱۳۹۹ توسط دو برادرش با ضربه چاقو به قتل رسید. اولیای دم مقتول، پدر و مادر قاتل نیز هستند. بنابراین با وجود دستگیری قاتلان، به‌علت تحت فشار بودن مادر سرگل حبیبی، پیگیری چندان صورت نگرفت و قاتلان آزاد شدند. در اینجا جای

داده‌خواهی مادران خالی است؛ مادر زنی که کشته شده چنانچه شجاعت کافی برای مقابله با همسر و پسرانش و یا برادر شوهر و ... داشته باشد اغلب به علت ناآگاهی از قانون و تحت فشار بودن برای رضایت، او هم آنچنان که باید و شاید پیگیری نکرده و قاتل یا قاتلان به مجازات عمل خود نمی‌رسند.



درحالی‌که اشکال مختلف خشونت مردان علیه زنان عموماً توسط همسران زنان صورت می‌گیرد، در خشونت‌های ناموسی، زنان و افراد کوپیر توسط برادر یا پدر هم کشته می‌شوند یا بر اثر فشارها و خشونت‌های ناموسی بسیار مجبور به منجر به خودکشی می‌شوند. این از ویژگی‌های خشونت ناموسی است که عمدتاً توسط خویشاوندان درجه یک صورت می‌گیرد؛ امری که نشان دهنده عمق مشروعیت فرهنگ ناموسی در خانواده است تا جایی که پدر یا برادر به عواطف نسبت به فرزند یا خواهر غلبه می‌کند و برای حفظ "شرف" و "آبروی" خانواده او را به قتل می‌رساند. نتایج این تحلیل محتوا نشان می‌دهد از ۳۰ مورد گزارش شده، بیشترین موارد توسط برادر صورت گرفته‌اند. در عین حال خودکشی‌های ناشی از فشارهای ناموسی نیز به ویژه درباره زنانی که در "منزل پدر و مادر" سکونت داشته‌اند از جمله بیشترین موارد بوده است. این مساله می‌تواند توجیه قانونی داشته باشد به این معنی که با وادار کردن فرد به خودکشی یا اعمال خشونت‌های ناموسی به یک فرد تا سرحد سوق دادن او به سوی خودکشی در عمل امکان پیگیری این اتفاق را در قالب "قتل ناموسی" منتهی می‌سازد. همچنین به گفته گل‌لاله وطن‌دوست در مواردی که برادر یا برادران مرتکب قتل ناموسی می‌شوند نه تنها به مجازاتی که قانونگذار مقرر کرده محکوم نمی‌شوند بلکه از حمایت پدر و مادر برخوردار هستند و حتی میزان سه تا ده سال حبس از جنبه عمومی قتل را هم متحمل نمی‌شوند و با قید وثیقه‌های سبک از زندان آزاد می‌شوند. ترس پدر و مادر از پسرشان یا "پسردوستی" در جوامع سنتی یا استدلال‌هایی از این دست که "دخترم کشته شده نمی‌خواهم پسر هم کشته شود" مانع از پیگیری پرونده‌های قتل ناموسی می‌شود. این مصونیت برای برادران، ممکن است انگیزه آنها و سایر مردان خانواده را برای اعمال مستقیم خشونت ناموسی در شدیدترین شکل توسط برادران بالا ببرد و از آنجایی که قتل‌های ناموسی به صورت برنامه ریزی شده صورت می‌گیرند ممکن است برادر به صورت برنامه‌ریزی شده توسط سایر مردان خانواده به اعمال قتل ناموسی تشویق شود. از سوی دیگر تحقیقات در سوئد<sup>۱۹</sup> نشان می‌دهند اعمال ستم ناموسی علیه پسران تنها از طریق وادار کردن آنها به ازدواج‌های اجباری صورت نمی‌گیرد بلکه وادار کردن مردان جوان به کنترل خواهران و خویشاوندان زن یکی از اشکال ستم ناموسی علیه خود مردان جوان است. آنها وادار می‌شوند حتی علی‌رغم میل خود الگوهایی از مردانگی را دنبال کنند که بر اساس آنها کنترل سکسوالیته خواهر و زنان خویشاوندان بخشی از هویت مردانه آنها را تشکیل می‌دهد.

قتل‌های با انگیزه‌ی ناموسی الزاماً تنها از طریق فرد دیگر صورت نمی‌گیرند. گاه شدت خشونت ناموسی به قدری زیاد است که خود فرد به خودکشی روی می‌آورد، یا مجبور به خودکشی می‌شود. در عین حال، برخی تحقیقات در جهان از جمله در سوئد<sup>۲۰</sup> نشان می‌دهند بسیاری از قتل‌های ناموسی تحت عنوان خودکشی یا خودسوزی صورت می‌گیرند که به آنها قتل‌های بالکنی گفته می‌شود. زمانی که یک قتل ناموسی، تحت عنوان خودکشی مطرح می‌شود امکان پیگیری قضایی آن بسیار کمتر است، از این رو وادار کردن فرد به خودکشی به این دلیل که هنجارهای ناموسی را شکسته است، یا خودکشی جلوه دادن قتل ناموسی از روش‌های پیچیده‌ای هستند برای فرار از مجازات. از وکیل مادر رومینا اشرفی نقل قول است هنگامی که رضا اشرفی رومینا را تحویل گرفت به او گفت "قرص بخور و خودت را بکش. رومینا که از پدرش می‌ترسیده فقط به او گفته چشم!". این تنها یکی از مواردی است که در آن پدر، برادر یا یکی از مردان خانواده و فامیل، فردی را به دلیل شکستن هنجارهای ناموسی وادار به خودکشی می‌کند یا شدت خشونت ناموسی به قدری است که فرد به ناچار دست به خودکشی می‌زند.

گل‌لاله وطن‌دوست نیز این مساله را تایید می‌کند و می‌گوید:

مواردی داریم که پدر و عمو، دختر را از طریق حق‌آویز کردن خفه و وانمود کرده‌اند که او خودکشی کرده است. پس درباره بسیاری از خودکشی‌های زنان باید جای شک و شبهه قرار بگیرد که به احتمال قوی قتل عمد هستند. هرچند خودکشی زنان هم ناشی از قوانین ناکارآمد و فرهنگ به شدت مردسالار و تبعیض‌های اجتماعی در جامعه و درون خانواده است.

نتایج این تحلیل محتوای رسانه‌ای نشان می‌دهد برخی از قتل‌هایی که با نام خودکشی یا خودسوزی زنان از آنها نام برده شده، در واقع با انگیزه‌های ناموسی و به دلیل شدت خشونت ناموسی اعمال شده بر زنان صورت گرفته‌اند. در عین حال، بر اساس آنچه در بالا گفته شد از صحت و سقم این مساله هم اطلاعی در دست نیست که این خودکشی‌ها چقدر محصول "صحنه سازی" پدر یا سایر مردانی هستند که خود به قتل ناموسی دست زده‌اند اما آن را خودکشی زنان جلوه می‌دهند.



از نتایج این تحلیل محتوای رسانه‌ای اینگونه برمی‌آید که مقامات و مسئولان دولتی و حکومتی در ایران درباره خبر وقوع نزدیک به ۹۱ درصد از قتل‌های ناموسی هیچ واکنشی از خود نشان نداده‌اند. تنها قتل‌های ناموسی رومینا اشرفی، ریحانه عامری و فاطمه بریهی واکنش‌های محدودی را از سوی برخی نمایندگان مجلس و مقامات دولتی ایران برانگیخت. حسن روحانی، رئیس‌جمهور وقت ایران در واکنش

به قتل ناموسی رومینا اشرفی، دستور تسریع در رسیدگی به لوایح منع خشونت را صادر کرد. ابراهیم ریسی، رییس وقت قوه قضاییه درباره این قتل ناموسی گفت «در ماجرای که در یکی از شهرهای گیلان رخ داد، حتماً این جنایتی که انجام شد برخورد عبرت‌آموزی با آن خواهد شد؛ بدون تردید». معصومه ابتکار، معاون وقت امور زنان ریاست جمهوری در توییت خود درباره ضرورت وجود قوانین محکم در قبال این جنایات نوشت و اشاره کرد که با پیگیری و درخواست دولت و مجلس لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان در آخرین مراحل است. پروانه مافی و علی مطهری، نمایندگان مجلس دهم نیز درباره قتل ناموسی رومینا اشرفی، ریحانه عامری و فاطمه برخی اظهارنظرهایی کردند. در سایر موارد، اگر هم واکنش‌ها و اظهارنظرهایی از مسئولان و مقامات رسانه‌ای شده باشد جز «تکذیب» قتل ناموسی رخ داده نبوده است؛ از جمله واکنش فرمانده انتظامی شهرستان کنگان که خبر وقوع یک قتل ناموسی در شهر بنگ از توابع این شهرستان را تکذیب کرد، یا رییس کل دادگستری استان کرمان که به تکذیب خبر قتل ناموسی ریحانه عامری پرداخت و تاکید کرد «این پدر و دختر به مدت هفت سال به دلیل اختلافات خانوادگی با یکدیگر مشاجره داشتند که در نهایت این اتفاق رخ می‌دهد. شایعات در خصوص اینکه وی بر اثر ضربه تبر و به خاطر مسائل ناموسی کشته شده کذب است و صحت ندارد ضمن اینکه باید اطلاع رسانی درباره این چنین وقایعی منطبق با نیازها و شرایط جامعه باشد لذا انتظار از رسانه‌ها این است که افکار عمومی را هدایت کنند».

حتی در کشورهایی که برای مبارزه با خشونت‌های ناموسی سرمایه‌گذاری اجتماعی بسیار صورت گرفته، نهادهای مرتبط به سادگی در کاهش این خشونت‌ها به موفقیت نمی‌رسند. موقعیت ایران نه تنها با این کشورها قابل مقایسه نیست بلکه قوانین آن به صورت رسمی به خشونت‌ها و قتل‌های ناموسی مشروعیت می‌بخشند و علاوه بر آن، با بی‌اعتنایی مقامات به مساله خشونت‌های ناموسی روبرو هستیم. این بی‌اعتنایی می‌تواند در روند تشدید خشونت‌های ناموسی و افزایش قتل‌های ناموسی در جامعه تأثیرگذار باشد.

## سخن آخر

نتایج این تحلیل محتوا نشان می‌دهد شیوه‌ی پوشش رسانه‌های فارسی زبان درباره قتل‌های ناموسی یا مرگ‌های مرتبط با انگیزه‌های ناموسی در نزدیک به ۷۰ درصد موارد، ناچیز و فقط در حد کپی کردن مطالب و بازنشر آنها و در سه مورد نیز بسیار ناچیز و فقط در حد اخبار «یک خطی» بوده است.

پوشش خبری این قتل‌ها تنها در برخی موارد از جمله قتل ناموسی رومینا اشرفی، ریحانه

عامری و فاطمه بریهی، وسیع و با پیگیری گزارش‌های تکمیلی بیشتر و در مواردی نیز صاحب‌های متعدد با کارشناسان همراه بوده است. همچنین، همانطور که پیشتر اشاره کردیم بازتاب رسانه‌ای قتل‌های ناموسی در رسانه‌های فارسی زبان - چه وابسته به حکومت ایران و چه مستقل از آن - در سال ۱۳۹۹ کمتر از ۷ درصد بوده است. علاوه بر این، در روند پوشش این حوادث، سردرگمی رسانه‌ها در برداشت‌های مختلف و متفاوت از قتل ناموسی نیز بسیار مشهود است که همین مساله ممکن است خبرنگاران و فعالان مدنی را از توجه و پیگیری مصادیق مختلفی از قتل ناموسی به ویژه قتل ناموسی افراد کوییر غافل سازد.

ضمن در نظر گرفتن این مساله که در ایران محدودیت‌های قانونی و عرفی بسیاری بر سر راه پیگیری قتل‌های مرتبط با انگیزه‌های ناموسی وجود دارد، گفتنی است مکانیزم‌های «انکار» می‌تواند به عادی‌سازی هرچه بیشتر خشونت‌های ناموسی و افزایش قتل‌های ناموسی یاری رساند. ما در شبکه مردان علیه خشونت ناموسی برآنیم که به این مساله باید از یک رویکرد میانبرشی توجه نشان داد؛ صدای افرادی را برجسته کرد که از خشونت‌های ناموسی آسیب می‌بینند و در عین حال از پررنگ شدن پیشداوری‌های انتیکی جلوگیری کرد. از این رو، برای برجسته کردن صدای «قربانیان» این خشونت‌ها، باید حساسیت رسانه‌ها و فعالان مدنی در برابر خشونت‌های ناموسی افزایش پیدا کند. ما بر این باوریم خشونت‌های ناموسی در «قتل» خلاصه نمی‌شوند و نباید با نادیده گرفتن و انکار آنها تا حدی عادی‌سازی‌شان کرد که به قتل منجر شوند و آنگاه واکنش رسانه‌ها و افکار عمومی را در پی داشته باشند. هرچه صدای «قربانیان» خشونت‌های ناموسی بیشتر شنیده شود، هرچه فعالان مدنی و رسانه‌ها محتوای بیشتری درباره مصادیق خشونت‌های ناموسی تولید و منتشر کنند و بر این بحث مهم نور بیندازند، این شانس افزایش پیدا می‌کند که بسیاری از این خشونت‌ها در جامعه نیز با بی‌تفاوتی نادیده گرفته نشوند.

## گفتگوی مشروح با گلاله وطن‌دوست، وکیل و فعال حقوق زنان:

۱. با توجه به تجربه و سابقه‌ی حرفه‌ای که دارید، آمار قتل‌های ناموسی و قتل‌های با انگیزه ناموسی و نیز قتل‌های مرتبط با ناموس (از جمله خودسوزی و خودکشی‌های ناشی از خشونت ناموسی) را چقدر به آمار رسمی اعلام شده (سالی ۵۰۰ قتل) نزدیک می‌دانید؟

- ابتدا باید توضیحی کوتاه در خصوص وضعیت جامعه فعلی با پانزده، بیست سال پیش را ذکر کنم. در دو دهه گذشته هم زنان و دختران به دست نزدیکان خود کشته می‌شدند و حتی مواردی داریم که پدر و عمو اقدام کردند به خفه کردن دختر از طریق حلق آویزی و واغود کردن به خودکشی. پس بسیاری از خودکشی‌ها هم جای شک و شبهه باید قرار بگیرد که به احتمال قوی قتل عمد هستند، هرچند خودکشی زنان هم ناشی از قوانین ناکارآمد فرهنگ به شدت مردسالار و تبعیض‌های اجتماعی در جامعه و در درون خانواده است. بنابراین به نظر من نسبت به افزایش جمعیت آمار این قتل‌ها افزایش پیدا کرده. اگرچه در گذشته‌های نه چندان دور هم چنین رخداد‌های هم در جامعه بوده اما این آمار را نمی‌توان دقیق به‌شمار آورد چون در روستاهای دور افتاده و شهرهای کوچک حتی با وصف اینکه عصر اینترنت است و فضای مجازی مجال برای نشان دادن چهره خشن جامعه فراهم کرده همچنان ممکن است خودکشی و یا قتل زن به دست مرد به علت مخفی‌کاری و یا عدم دسترسی به رسانه جزئی از آمار اعلام نشود.

- هر مرجعی که به دفتر وکالت من می‌آید علاوه بر شرح مشکل خودش معمولاً اغلب داستان و روایت تلخی هم از کشتن زنان به دست مردان یا خودکشی زنی را در روستای محل زندگی خود تعریف می‌کند که روایات نانوشته زیادی وجود دارد.

هر روز کشف یک جنایات، ده‌ها مورد رسانه‌ای نشده وجود دارد آن هم در شهر کوچکی چون میوان و روستاهای اطراف. قطعاً در دیگر شهر و روستاها هم چنین جنایات خاموشی وجود دارد.

۲. میزان شکایت‌ها یا تشکیل پرونده‌ها برای قتل‌های ناموسی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا وقتی یک قتل ناموسی اتفاق می‌افتد، به پیگیری قضایی می‌رسد؟ کمی در این باره و چرایی آن توضیح دهید.

- مشکل عمده‌ای که در خصوص تشکیل پرونده و اعلام جرم علیه فرد یا افرادی که در عمل قتل عمد زنی مباشرت یا مشارکت داشته‌اند وجود دارد واکنش به شدت ناچیز است؛ چرا که در وقوع اینگونه قتل‌ها قاتل معمولاً برادر، پدر و در مناطقی از کشور حتی عمو و عموزاده و دایی هستند. بنابراین بازمانده‌گان تمایلی به شکایت ندارند. برای مثال زنی در سال ۱۳۹۷ به اسم زهرا رسولی در روستای هزارکانیان توسط برادرش به قتل رسید، قاتل متواری شد و دادستان دیواندره، آقای نجف‌پور اقدام به تعقیب قانونی و سپس دستگیری قاتل کرد. من به اتفاق دو نفر از فعالان مدنی و اجتماعی میوان به روستای دور افتاده محل اقامت پدر و مادر زهرا رفتیم و در کمال تعجب متوجه شدیم که والدین مقتول تمایلی به شاکی شدن تحت عنوان شاکی خصوصی ندارند و پدر مقتول که پدر قاتل هم بود می‌گفت دخترم کشته شده

- 1 فیلم عروس آتش، ساخته خسرو سینیایی
- 2 Bruno & Darvishpour, 2020; Darvishpour & Lahdenperä, 2014; Schlytter & Linell, 2010
- 3 Baianstovu, 2019
- 4 Mojab & Abdo, 2004
- 5 de los Rayes, Molina and Mulinari, 2003; Yuval-Devis 1997; Yuval-Davis and Anthias 1989
- 6 Bracewell, 1996; McClintock
- 7 O'Keefe, 2013
- 8 Ouis, 2021; Schlytter, 2004; Wikan, 2004
- 9 Eldén, 2003
- 10 Westerstrand, 2017
- 11 Bruno & Darvishpour, 2020, Baianstovu m. fl., 2019, Carbin, 2010
- 12 Crenshaw, 1991
- 13 به نقل از خبرگزاری هرانا، فرماندار شهرستان رامهرمز با ابلاغ یک دستور به اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی رامهرمز از این اداره خواست تا به صورت رسمی خبرنگاران را از پوشش اخبار مرتبط را خودکشی منع کند
- 14 <https://www.hra-news.org/2021/hranews/a-31788/>
- 15 Hedersrelaterat våld och förtryck: en kunskaps- och forskningsöversikt. 1 uppl. (2010). Uppsala: Nationellt centrum för kvinnofrid (NCK)
- 16 [radiozamaneh.com](http://radiozamaneh.com) تقلیل قتل‌های ناموسی به گروهای اثنیکی در ایران؛ انکار خشونت سیستماتیک، از رادیو زمانه
- 17 Darvishpour & Lahdenperä, 2014
- 18 [radiozamaneh.com](http://radiozamaneh.com) زن، سرزمین، ناموس و سلب مالکیت، از رادیو زمانه
- 19 Schlytter, Astrid & Rexvid, Devin 2013
- 20 <https://sverigesradio.se/artikel/4769798>



و نمی‌خواهم پسر هم کشته شود. و دادستان شهر صرفاً از جنبه عمومی و حفظ نظم و امنیت اقدام به تعقیب و دستگیری قاتل کرد!

- بنابراین در قتل ناموسی چون قاتل یا قاتلان با برنامه‌ای از قبل تعیین شده اقدام به قتل می‌کنند معمولاً خانواده مقتول به نحوی معاون در جرم هستند و شرایط کشتن زن مورد نظر را هم تسهیل می‌کنند. یک مثال دیگر سال ۱۳۹۹ سرگل حبیبی مقیم سمنجان و اهل روستای سوراژه به ۷۰ ضربه چاقو توسط دو برادرش با داشتن دو فرزند به قتل رسید. اولیای دم مقتول همان پدر و مادر قاتل نیز هستند فلذا علیرغم دستگیری قاتلان به علت تحت فشار بودن مادر سرگل، پیگیری چندانی صورت نگرفت و قاتلان آزاد شدند.

- در اینجا جای دادخواهی مادران خالی است! مادر زنی که کشته شده چنانچه شجاعت کافی برای مقابله با همسر و پسرانش و یا برادر شوهر و ... داشته باشد اغلب به علت ناآگاهی از قانون و تحت فشار بودن برای رضایت او هم آنچنان که باید و شاید پیگیری نمی‌کند و قاتل یا قاتلان به سزای عمل خود نمی‌رسند. هرچند جای آن. جی. یوها، نهادهای مدنی و کانون‌های وکلا خالی است و متأسفانه حمایت از این مادران یا فرزندان زن‌هایی که کشته شدند صورت نمی‌گیرد.

۳. در چه موارد و چه شرایطی پیگیری قضایی صورت می‌گیرد؟

- در مواردی که دختر خانواده توسط داماد آنها کشته شود یا قاتل فرد بیگانه‌ای باشد بیگانه به معنای عدم پیوند خویشاوندی، پیگیری جدی‌تری به عمل می‌آید و والدین زن کشته شده حتماً رسماً شکایتی مطرح و درخواست اشد مجازات و قصاص می‌کنند و ممکن است در آخر به دیه راضی شوند. اما معمولاً تمایلی به آزادی قاتل ندارند و شاید حبس ابد را بر قصاص ترجیح دهند هرچند که در قانون ایران مجازات قتل عمد، قصاص است. نمونه‌ای را ذکر می‌کنم: بهار حسنی در بیست سال پیش که بیست بهار از عمرش گذشته بود هنگام بگومگو در داخل ماشین سنگین شوهرش در جاده سی‌راهی روستای نی‌مریوان به سمت سمنجان با کوبیدن فلز تالیور بر فرق سر توسط همسرش به قتل رسید. پدر مقتول به صورت جدی پیگیر و خواهان قصاص بوده و قاتل هفت سال در زندان بود اما با گرفتن دیه آزاد شد و اکنون به همراه دخترش که دختر همان زن کشته شده است در کشور دافمارک زندگی می‌کند. هرچند مجال سخن گفتن درباره موافقت یا عدم موافقت با مجازات اعدام و قصاص در اینجا نیست! اما رضایت دادن هم آسیب‌زاست همینطور که اعدام هم بازتولید خشونت می‌کند. زیرا در روایتی که ذکر کردم، بهار، سه خواهر متاهل دارد و هر سه تحت خشونت خانگی قرار دارند و در دادگاه هم شکایت کرده‌اند و شوهرانشان در پاسخ اعتراض آنان می‌گویند مثل خواهرتان نکشیمتون که!!

۴. ما در بررسی که داشتیم متوجه شدیم سهم برادرها در قتل‌های ناموسی زیاد است. پیگیری قضایی قتل ناموسی توسط برادرها را چگونه می‌دانید؟ از نظر شکایت یا رضایت خانواده؟

- برادرها یا پسران خانواده از قدیم الایام سلطه و تسلط زیادی بر خانواده دارند. برای مثال در مناطقی که

بافت جمعیتی سنتی و خویشاوندی است داشتن پسر بیشتر و برادر داشتن نوعی قدرت و پز محسوب می‌شد. هرچند در دهه دوم قرن بیست و یکم هستیم و دیگر خانواده آن کارکرد سنتی خود را ندارد و خانواده مدرن به سمت و سوی خودآگاهی و انسان‌محوری گام بر می‌دارد و زن هم دوست دارد فرصت زیستن و شیوه و راه و روش آن را خود انتخاب کند اما هنوز هستند خانواده‌هایی که زن را جز ملک خود قلمداد می‌کنند و حق ابراز وجود به دخترانشان را نمی‌دهند و برادر هم از گروه همسالان و جامعه تأثیرپذیر است و اجازه تحصیل و بیرون رفتن و استقلال مالی و استقلال اجتماعی به خواهر نمی‌دهد. ده‌ها مورد داریم که زن با اعتقاد به اینکه حق تعیین سرنوشت خود را دارد به علت خشونت همسر و یا دلایلی دیگر از شوهرش جدا شده اما به خانه پدری بازنگشته و مستقلاً برای خود مسکن تهیه کرده اما برادر یا برادران با چاقو و قمه به منزل خواهر حمله ور شده‌اند چون خود را زندانبان خواهرشان می‌دانند. برادران در اینگونه پرونده‌ها نه تنها به مجازاتی که قانونگذار مقرر کرده محکوم نمی‌شوند بلکه از حمایت پدر و مادر هم برخوردار هستند و حتی میزان سه تا ده سال جنبه عمومی مجازات قتل را هم متحمل نمی‌شوند و با قید وثیقه‌ای سبک از زندان آزاد می‌شوند. ترس پدر و مادر از پسرشان یا "پسردوستی" یا هر استدلال نادرست مبنی بر اینکه "دخترم کشته شده نمی‌خواهم پسر هم کشته بشه" باعث عدم پیگیری این پرونده‌ها می‌شود.

۵. سرنوشت پرونده‌های قتل ناموسی، به سامان رسیدن آنها، پیگیری توسط خانواده مقتول و ... به چه عواملی بستگی دارد؟ برخورد سیستم قضایی با این پرونده‌ها چگونه است؟ به ویژه اگر توسط پدر صورت گرفته باشد؟

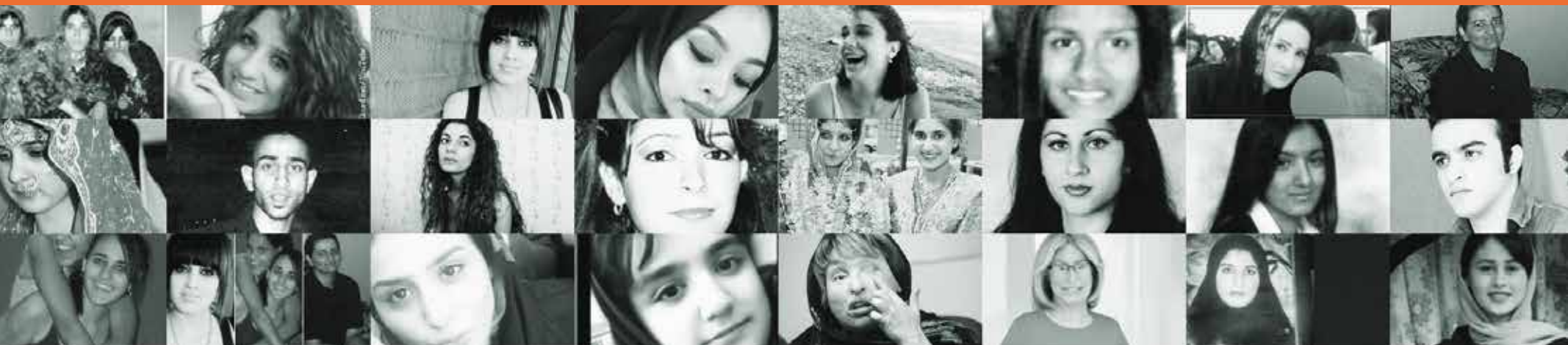
- پرونده‌های قتل ناموسی در وضعیت بغرنجی قرار دارند مخصوصاً اگر قتل به وسیله اعضای درجه یک خانواده صورت گرفته باشد و قاتل در بهترین حالت مدت کمی از یک تا سه سال زندانی و سپس آزاد می‌شود. نمونه‌اش قتل زنی اهل روستای هزارخانی مریوان در بیست سال پیش که پدر دخترش را که مادر پنج فرزند هم بود با تبر کشت و جنازه او را در روستا گرداند تا به زعم خود درس عبرتی باشد برای دیگران و دیگر "بی‌ناموسی" نکنند. تنها اتهام زن، داشتن خواستگار بود که پانزده سال از خودش کوچکتر بود.

- چون در قانون ایران پدر در صورت قتل فرزند صرفاً سه سال حبس تعزیری دارد، آن پدر هم مدت کوتاهی زندان بود و سپس آزاد شد و به زادگاه خود بازگشت و هیچگونه مجازات تکمیلی تبعی مبنی بر تبعید از روستا برای او در نظر گرفته نشد.

- سیستم قضایی توسط قاضی مربوط به پرونده با قوانینی اداره می‌شود که از قبل تصویب شده‌اند بنابراین حتی اگر فرض را بر این بگیریم که قاضی، فردی دلسوز و دارای رویکرد حقوق بشری باشد اما وقتی مواد قانونی کارآمد و کافی نیست قاضی صرفاً می‌تواند حداکثر مجازات تعیین شده قانونی را در نظر بگیرد که این کافی نیست و بایستی در قانون بازنگری شود. هرچند بعد از قتل رومینا اشرفی مجازات پدر در ارتکاب قتل فرزند کمی شدت گرفت اما تا زمانی که فرهنگ درست نشود حتی در صورت مجازات شدید هم برای پدر، جلوی خشونت پدر بر فرزندان را نمی‌توان گرفت؛ چرا که ستم جنسیتی وجود دارد و پدرسالاری تاریخی به قدمت عمر بشر دارد. هم‌چنان که تمامی زنان به واسطه "جنسیت" از آسیب‌های یک نظام سلطه در رنج‌اند، تمامی مردان نیز به واسطه موقعیت فرادست در نظام نابرابر جنسیتی، بر زنان اعمال قدرت و ستم می‌کنند؛ اگر چه برخی از مردان می‌توانند برای غلبه بر این نظام سلطه تلاش کنند.

# Annual Report 2021

## Representation of Honour Killings in Iranian Media



The Network of Men Against Honour-related Violence

Social Media: @notohonor

no.to.honour@gmail.com